



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

## بررسی روابط زوجین در حقوق ایران و نقش آن در استحکام نهاد خانواده

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران  
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران  
استاد، گروه حقوق و معارف، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

حیدر رفعتی <sup>id</sup>  
امیر ملامحمدعلی <sup>id\*</sup>  
محمود قیوم‌زاده <sup>id</sup>

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷ | ایمیل نویسنده مسئول: amirmolamohammadali@yahoo.com

فصلنامه علمی پژوهشی  
خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۷۱۷-۲۴۳۰  
<http://Aftj.ir>

دوره ۴ | شماره ۱ پیاپی ۶۳۷-۶۲۴  
بهار ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:  
درون متن:  
(رفعتی و همکاران، ۱۴۰۲)

### در فهرست منابع:

رفعتی، حیدر، ملامحمدعلی، امیر، و قیوم‌زاده، محمود. (۱۴۰۲). بررسی روابط زوجین در حقوق ایران و نقش آن در استحکام نهاد خانواده. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۴(۱)، ۶۳۷-۶۲۴.

### چکیده

**هدف:** زوجین به عنوان اعضای از جامعه، دارای حقوق و تکالیفی هستند که رعایت آنها تضمین‌کننده سلامت جامعه و روابط آن‌هاست. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که بر پایه روابط زوجین استوار است و تنظیم این روابط و تبیین چگونگی آن از منظر فقهی و حقوقی از جهاتی واجد اهمیت است. **روش پژوهش:** روش انجام پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای بود. **یافته‌ها:** در تلازم حق و تکلیف زوجین، به تفاوت‌هایی برخورد می‌کنیم که در نگاه اول، گویای تفاوت‌هایی است که بعضی پنداشته‌اند این تفاوت‌ها نشان از نابرابری زن و مرد دارد؛ در حالیکه خلقت زن و مرد آن چنان حکیمانه است که واگذاری حقوق و تکالیف هم بنا بر ظرفیت‌ها و متناسب با انتظارات او از انسان و توانایی‌های بشر وضع گردیده است. نظام هستی، خلقت و آفرینش با یک طرح قبلی و هدف-دار استوار گشته و هدف نمایی خلقت، عبودیت عارفانه انسان در برابر خداوند است. همگونی و ناهمگونی موجودات و تفاوت در ظرفیت‌ها و امکانات، همگی در این نقشه حکیمانه جایگاه خاص خود را پیدا کرده‌اند؛ بنابراین تفاوت‌های زوجین و به طور کلی زن و مرد، کاملاً طبیعی، هدفمند و خلاقانه است و ملاک ارزش‌گذاری افراد را باید در عبودیت و قبول ولایت و هدایت الهی جستجو کرد. **نتیجه‌گیری:** داشتن امتیازات منحصر به فرد در زنان و مردان نه نشانه برتری بر همدیگر است و نه نشانه نقص و عیب نسبت به همدیگر می‌باشد. این تفاوت‌ها در منابع فقهی شیعه و نظام حقوقی اسلام، بر همین اساس بیان شده است که اتفاقاً شناخت آنها می‌تواند در جهت استحکام خانواده، پویایی و سرزندگی آن مؤثر باشد.

**کلیدواژه‌ها:** روابط، زوجین، حقوق، عدالت، مساوات.

## مقدمه

نهاد خانواده به عنوان اصلی‌ترین پایگاه و مهم‌ترین دانشگاه تربیتی و اخلاقی تلقی می‌شود و در واقع کارآمدی نقش افراد و نحوه استفاده بهینه از ظرفیت‌های وجودی به منظور ایجاد ارتباطی گرم و پایدار، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد امنیت روانی آحاد جامعه دارد. همچنین ورود قانون در این رابطه به ظاهر خصوصی بدین توجیه است که این نهاد همواره به عنوان مهم‌ترین واحد اجتماعی به حساب می‌آید و انگیزه برای حمایت‌های گوناگون قانونی، توجه به پایداری و مانایی این رابطه حقوقی و ارائه راه حل برای تحکیم و ارتقاء آن است.

در این راستا گرچه حوزه مربوط به حقوق خانواده عمده‌تاً مسائل در ارتباط با ازدواج و طلاق، مهریه، تمکین و نفقه عیال و اولاد، ولایت و حضانت فرزندان، ارث، وصیت، ولادت را در برمی‌گیرد، لیکن تحولاتی که طی چند دهه گذشته در زمینه توسعه و تعمیق دخالت قانونگذار در حوزه حقوق خانواده اتفاق افتاده بیانگر چرخشی در جهت ایجاد موازنه بین حقوق زن و مرد در زندگی زناشویی است، و به نوعی رویکرد جدیدی را به تصویر می‌کشد.

همین که نکاح به درستی واقع شد، حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می‌کند که حقوق دانان از آن به آثار نکاح تعبیر می‌کنند. قانون مدنی جمهوری اسلامی در این باره می‌گوید: «همین که نکاح به طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل هم‌دیگر برقرار می‌شود. (صفایی و امامی، ۱۳۷۶). مسائل مربوط به زوجین، زناشویی، و خانواده از جمله مسائل مهمی است که فقه پویای شیعه و حقوق و قوانین منبعث از آن نگاه دور نداشته و مورد اهتمام قرار داده است. در این میان نوع تعامل زوجین و رابطه حقوقی آن دو از جهت اداره شؤون زناشویی و زندگی مشترک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که از دین آسمانی ما گرفته تا دانشوران حقوق و متفکران دینی و صاحب نظران اجتماعی از دیرباز تا کنون به آن پرداخته‌اند. این مسئله در منابع اصیل دین اسلام نیز آمده است و از این رو مفسران و محدثان و فقیهان و متفکران زیادی درباره آن قلم زده‌اند. در عصر جدید و با توجه به گسترش انگاره تساوی و برابری حقوق زن و مرد در همه عرصه‌ها، بررسی این موضوع با رویکردهای مختلفی مورد توجه قرار گرفته است؛ به خصوص در دهه‌های اخیر که موضوعاتی از قبیل احتمال تغییر در حقوق و احکام شرعی زناشویی، تغییر در شیوه‌های زندگی، برعهده گرفتن نقش‌های جدید اجتماعی و خانوادگی توسط زنان، مطرح شده است.

افکار و اندیشه‌هایی وجود دارد که معتقدند اسلام بین زن و مرد تفاوت و تبعیض قائل شده از جمله این اندیشه‌های به ظاهر مترقی نظام فکری فمینیستی است که جای حق و تکلیف را عوض کرده و اینطور پنداشته که در بسیاری از موارد زن از حقوق خود محروم است در حالی که این اندیشه در حد وسیعی به فروپاشی و اضمحلال زندگی‌های نوپا منتهی شده و سطح توقعات را به گونه‌ای بالا برده که با بیان به ظاهر زیبا هر انسان ظاهر بین را معتقد ساخته که اسلام چرا بین زن و مرد تفاوت قائل است در حالیکه نگرش اسلام مبتنی بر عدالت است نه مساوات و در این راستا تلاش نموده است زن را در جایگاه زن بودن و مرد را در مقام مرد بودن در جهت رسیدن به مقام عالی انسان اعانت نموده و وظایف و تکالیف آنان را بر اساس مصالح و منافع آنان، به میزان ظرفیت هایشان مورد توجه قرار داده و به همان میزان در انجام تکالیف و احقاق حقوق یاری نماید. (یزدخواستی، ربانی اصفهانی، ۱۳۹۴)

این موضوعات نگارنده را واداشت تا تحقیقی بر مبانی و روش فقهی و با نظر داشت نظرات حقوقی و دانشوران حقوق در خصوص علت تفاوت‌ها، نقش شناخت تفاوت‌ها در پویایی و تداوم زندگی نوپای جوانانی که پا به عرصه زندگی اجتماعی می‌گذارند و مواردی از تفاوت‌ها بپردازد که به شناخت آنها می‌تواند سطح توقعات زن و مرد را از طرف مقابل خود تعدیل نموده و به تداوم زندگی کمک نماید.

### روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی تألیف می‌یابد. روش جمع‌آوری بیشتر بر اساس روش کتابخانه‌ای و استفاده از مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه ملی، مجلس، دانشگاه تهران و تربیت مدرس و هم‌چنین استفاده از سایت‌های معتبر نظیر نورمگز، ایران‌داک، مگ ایران و سایت‌های پژوهشگاه‌ها و دیگر قطب‌های علمی کشور می‌باشد و ابزار جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها فیش و فایل است.

### یافته‌ها

#### ۱- عوامل استحکام خانواده در فقه

##### ۱-۱- هم‌کفو بودن در گزینش همسر

یکی از اموری که نقش تعیین‌کننده در استحکام خانواده دارد رعایت اصل «هم‌کفو» بودن است که ریشه در مبانی فقهی ما دارد. احراز برخی هم‌سانی‌ها بین زن و شوهر، شرط لازم یا اولویت همسرگزینی تلقی می‌شود. اولویت وجود حداقل‌هایی از همسانی بین زن و شوهر در همه جوامع علمی علی‌رغم تفاوت جوامع با یکدیگر پذیرفته شده است. همتایی زوجین و برابری آنان در دین و ایمان در فقه مورد توجه قرار گرفته و فقهای دین به هم‌کفوی زوجین در عقد نکاح اعتبار داده‌اند و در این زمینه اتفاق نظر دارند. «الکفائه معتبره فی النکاح فلا يجوز للمسلمه التزویج بالکافر» (شهیدثانی، ۱۳۸۸).

البته با به وجود آمدن زندگی‌های صنعتی، و پیشرفت در امور زندگی بشر به نظر می‌رسد که کفایت در دین و اعتقاد و ایمان کفایت نمی‌کند بلکه در بسیاری از امور زن و مرد باید ممثل و هم‌کفو یکدیگر باشند و اسلام عزیز که به واقعیتهای شخصیتی زن و مرد واقف است بر این مطلب صحنه گذاشته هر چند زن و مرد با همدیگر متفاوتند اما به بحث همزیستی زن و مرد که می‌رسد می‌فرماید اینها باید به لحاظ دین و ایمان یکی باشند این یکی بودن نهایت و غایت تکثرها و تمایزات و تفاوت‌ها را به هم پیوند می‌زند «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ هیچ تسلطی از طرف خداوند برای کافران بر مسلمین وضع نشده است (نساء/۱۴). البته به نظر می‌رسد برای یک انتخاب صحیح امروزه دختران و پسران کفایت اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و تمکن مالی و حتی زیبایی ظاهری را نیز باید مدنظر قرار دهند.

##### ۱-۲- نقش تمکین زوجین در تحکیم خانواده

در متون اسلامی جایگاه همسری زن و مرد پس از علقه زوجیت و عقد شرعی مورد توجه قرار گرفته و رفتارهای مورد انتظار از هر دو در ایفای نقش همسری به خصوص تمکین عام و خاص از یکدیگر به عنوان حسن معاشرت مورد توجه ویژه قرار گرفته است. هرچند زن به لحاظ لطافت و ظرافتی که خداوند در خلقتش ایجاد نموده اما میل و اشتیاق او به تمکین از شوهر بر اثر عواملی درونی و خارجی شدت و ضعف

دارد مثلاً در ایام عادت ماهانه زن به لحاظ روحی به شدت تحت فشار است لذا احکامی در خصوص این وضعیت برای رعایت حال زنان در شرع مقدس نسبت به مردان وضع گردیده هرچند اخلاق اقتضا می‌کند شوهر در چنین مواردی مراعات لازم را به عمل آورده در دوران پس از وضع حمل زنان موظف به شیر دادن فرزندان خود هستند و حتی در این وهله زمانی گاهاً دچار افسردگی می‌شوند و میل آنان را نسبت به تمکین خاص از شوهر به شدت کاهش می‌یابد در حالی که میل وافر مرد برای بهروری جنسی هیچ کاهش و وضعی پیدا نکرده و این خود می‌تواند اساس اختلاف و بگو مگوها را به بهانه‌های واهی ایجاد نماید. خوب در چینی موقعیتی باید سطح توقعات جنسی مرد نسبت به زن کاهش پیدا کند و متوجه باشد این تفاوت‌های طبیعی است که به وجود آمده و ناشی از عدم علاقه همسر به او نیست بنابراین مراقبت و مواظبت او نسبت به همسر نباید دستخوش امیال جنسی او قرار گیرد (صفایی و امامی، ۱۳۷۶).

### ۱-۳- قوامیت مرد

در باب تفاوت‌های شخصیتی زن و مرد مسئله‌ای که شاید به غلط در میان مردم رایج شده موضوع قوامیت به مرد به صورت حاکم مطلق و بلامنازع بودن آن است. برای تبیین این مسئله به بیان آیه قوامیت که مبنای فقهی در امور سرپرستی مرد قرار گرفته و ادله و فتاوا پرداخته می‌شود. «الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...؛ مردان سرپرستان زنان اند به سبب آنکه خداوند برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده...» (نساء/۳۴). غرض از قوام بودن مرد به معنای متکفل امر آنان است. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق) اکثر مفسرین شیعه و سنی، قوام بودن مردان بر زنان را مسلط بودن مردان بر زنان در تدبیر، تأدیب و تعلیم می‌دانند. (طوسی، ۱۳۸۸)

بنابراین قوام به معنای تدبیر، اصلاح شئون، کوشش در حفظ و رعایت دیگری، متکفل امر او شدن است. و به معنای حاکمیت مطلق نیست بلکه تدبیر امور زن در همه شئون حتی رتق و فتق امور زناشویی، مصالح و منافع زن، رفع نیازهای او در همه جهات و حسن معاشرت با آنان است. لذا دستاویز قرار دادن این آیه برای برتری مرد نسبت به زن کاملاً بی‌مورد است و آیه شریفه در صدد بیان وجوب قیام مردان به حقوق همسران است همچنانکه فقها از جمله شیخ طوسی، ابن براج، علامه حلی، مرحوم نراقی، صاحب جواهر احکامی را مبتنی بر این آیه شریفه بیان نموده اند. فقهای معاصر از جمله آیت اله مکارم شیرازی هم چنین نظری دارند (طباطبایی، بی‌تا).

### ۱-۴- تفاوت‌های عقلی زن و مرد

در باب تفاوت‌ها به بررسی تفاوت عقلی زن و مرد پرداخته می‌شود. در قرآن کریم به طور صریح سخن از نقصان عقلی یا کمال عقلی زن و مرد نیامده اما در بیانات توصیفی و تشریحی خداوند مطالبی ذکر شده که مفسران آن را ضعف عقل زن یا قوت عقل مرد تفسیر کرده اند. در تفسیر آیه ۱۵ - ۱۸ زخرف مفسرین از جمله شیخ طوسی، زمخشری، ابوالفتح رازی چنین نگاشته اند. مرحوم علامه طباطبایی در این باره فرموده اند: «مراد آیه آن است که چطور مشرکان کسی را برای او قرار داده اند که در زینت رشد می‌کند، در حالی که در مخاصمه و اقامه حجت نمی‌تواند مدعای خود را بیان نماید. این دو صفت که از یک سو زن به طبع خود دارای عاطفه قوی‌تر و تعقلی ضعیف‌تر است چرا که قوت عاطفی او شدیدتر و وابستگی او به زینت‌گری و تجمل قوی‌تر است اما در تقریر حجت که مبتنی بر قوت عقل است ضعیف می‌باشد.» (طباطبایی،

بی‌تا) آیت اله جوادی عاملی در کتاب «زن در آینه جلال و جمال» می‌فرماید: «اشکالی که به دیدگاه مفسران وارد است آن است که از آیه نمی‌توان چنین برداشتی داشت بلکه بیان این حالت توصیف واقعیت تربیتی و تاریخی زنان است که در پرتو تعلیم و تربیت می‌توانند به آن مراتب عالی برسند و غرض از آیه نشو و نمو زن در زیور و زینت تاکید دارد نه طبیعت نهاده شده در او. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زن هم همچون مرد در سایه آموزش و تربیت می‌تواند قوای عقلی خود را ارتقاء دهد و مردان در این خصوص هیچ‌گونه برتری بر زنان ندارند.» (جوادی عاملی، ۱۴۰۰)

#### ۱-۵- تفاوت در غریزه جنسی و قدرت جسمی

مورد دیگری که شائبه برتری جنسیتی را ایجاد کرده شدت و ضعف میل و غریزه جنسی است. محدث بزرگ شیخ کلینی شش روایت در کتاب «اصول کافی» نقل کرده است. برداشت ایشان آن طور که از عنوان باب «فضل شهوه النساء علی الرجال» فهمیده می‌شود این است که مفاد اخبار، فزونی شهوت زن نسبت به مرد است. اما ظاهر این اخبار غیر از مدعای مزبور است مؤید این برداشت روایاتی است که صبر زن در مقابل شهوت را ده برابر مرد می‌داند روایت الحاق بن عمار از امام صادق (ع) در کتاب کافی این مطلب از قول امام بیان شده است. در باب قدرت جسمی و عضلانی مردان قوی‌تر از زنان هستند و این نشانه برتری جنسیتی نیست بلکه در قبال کارهای سخت و خشن لازمه طبیعت مرد د ارا بودن جسم قوی است که در خلقت طبیعی خداوند لحاظ فرموده اگر ضعف و استضعاف به زن نسبت داده شده نزدیکترین چیزی که به ذهن تبادر می‌کند ضعف جسمانی است و اگر به بیان پیامبر اکرم (ص) زن ریحانه معرفی شده به خاطر آن است که زن توان کارهای سخت را ندارد و اگر به چنین کارهایی بپردازد برخلاف طبیعت و حال و روحیه اوست به همین دلیل از او چنین تقاضایی نباید داشت. (طباطبایی، بی‌تا)

#### ۱-۶- مهریه و حق حبس و تعدیل مهریه

یکی از مواردی که از حقوق اختصاصی زن شمرده می‌شود و خود عاملی است جهت جلوگیری از تضییع حق و موجب عدالت در امور مالی بین زن و شوهر است تعیین مهریه در نکاح دائم و موقت است و چنانچه به هر دلیلی مهریه معین نگردد در صورت انجام واقعه زن مستحق مهرالمثل است. صرف نظر از بیان دلایل تعیین مهر در احکام اسلامی و فقه جعفری ضمانت هم در نظر گرفته شده از جمله ضمانت‌های اجرا و اعمال این حق، حق حبس است که زن می‌تواند قبل از واقعه اقدام به دریافت مهریه خود نموده و از استمتاع شوهر خود جلوگیری نماید و از در اختیار گذاشتن خود برای همسرش خودداری نماید. آیات عظام سبحانی، مکارم و جمع کثیری از فقهای معاصر، همچنین فقهای سلف چنین حقی برای زن قائل اند. از جمله فقهای گذشته مرحوم بحرانی، فاضل هندی، مرعاملی و دیگران هم بر این عقیده اند. علاوه بر حق حبس جهت رعایت عدالت و انصاف و جلوگیری از تضییع حق زن موضوع تعدیل مهریه است که مسائل مستحدثه است و آقای مکارم شیرازی هم می‌فرماید این مسئله ریشه در گذشته ندارد و جزء موضوعات حادثه است. چنانچه خانمی چندین سال پیش ازدواج نموده باشد و در حین عقد مهری را معین نموده باشند.

اکنون پس از سالیان متمادی ممکن است مهریه تعیین شده ارزش خود را از دست داده باشد، لذا فقهای معاصر تقریباً به اتفاق اجازه داده اند طبق شاخصه‌های اعلامی از بانک مرکزی یا فرمول خاصی که به

دفترخانه‌ها ابلاغ شده مهریه را به روز حساب نمایند. بنابراین فارغ از جنسیت زن و مرد در امور مالی هم سعی بر رعایت عدالت و انصاف شده لذا هیچ گونه برتری در این گونه موارد بین زن و مرد وجود ندارد و اگر عده‌ای قائل به برتری یکی به دیگری است ترجیح بلا مرجع است که هیچ گونه وجه شرعی و دینی ندارد (صفایی و امامی، ۱۳۷۶).

#### ۷-۱- تعداد زوجات

از جمله موضوعاتی که مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی زن و مرد در فقه اسلام به بیان آن پرداخته شده موضوع مشروعیت تعدد زوجات و حرمت چند شوهری است که در این قسمت ملاحظات فقهی و نظرات فقها بررسی شده است. در اسلام تعدد زوجات به دلایل اجتهادی کتاب، سنت و اجماع فقیهان و سیره قطعیه امری پذیرفته شده و از ضروریات دین شمرده شده. (نجفی، ۱۳۶۶)

چند همسری در دو شکل چند زنی و چند شوهری متصور است، به دلیل مغایرت چند شوهری با میل طبیعی و غریزی زن و مرد و سازمان اجتماع بشری بیشتر چند زنی در جوامع رواج داشته. اسلام ضمن تأیید چند همسری (چند زنی) از نظر کیفی و کمی شرایطی را برای محدودیت و کنترل آن وضع نموده در آیه ۳ سوره نساء به آن تصریح نموده و در همین سوره با وجود جواز چند همسری با دو قید کمی و کیفی محدود شده است. حداکثر چهار زن (قید کمی) و رعایت عدالت در حقوق واجب و عملی همسران مانند نفقه و خودداری از ازدواج مجدد و اکتفای به یک همسر در صورت خوف از ستمکاری و ناتوانی در اجرای عدالت (قید کیفی) زیرا ستم کردن به زن حرام است. (صفایی و امامی، ۱۳۷۶)

با توجه به آیه ۱۲۹ سوره نساء آداب چند همسری عبارتند از:

الف: رعایت عدالت در روابط عاطفی با همسران به گونه‌ای که یکی از زنان رها شده به نظر نرسد.

ب: رعایت عدالت در حقوق شرعی و واجب همسران، مانند حق هم بستری و نفقه.

ج: رعایت عدالت در آمیزش و توجه به نیازهای جنسی همسران تا موجب انحراف جنسی در زنان نشود.

د: تدبیر روابط میان همسران و جلوگیری از تهییج احساسات زنان علیه یکدیگر.

البته رعایت چنین مسائلی بسیار سخت و دشوار است و از عهده هر شخصی بر نمی آید. البته احکام صادره فقهای پیشین از جمله حر عاملی، نجفی، طوسی و دیگر فقها هم منصرف به همین معنی است. در رساله عملیه مراجع عظام فقهی هم به اتفاق بر این مسئله متذکر شده اند. علاوه بر این تجویز نسخه چند همسری با شرایط خاص تحت شرایطی است که می‌شود گفت بر عام بودن مسئله تخصیص اکثر خورده و عملاً منتفی به نظر می‌رسد (صفایی و امامی، ۱۳۷۶).

البته در نظر فقهای معاصر اگر زوجه به موجب شرط ضمن عقد وکالت داشته باشد که در صورت ازدواج مجدد بتواند خود را مطلقه نماید در صورت تحقق شرط می‌تواند از این اختیار خود استفاده کند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰)

#### ۸-۱- مجازات‌های زن و مرد (برابری یا نابرابری)

بدون توجه به تفاوت‌های طبیعی و اجتماعی زن و مرد که به تفاوت‌هایی در برخی احکام انجامیده ادعا شده که مجازات‌ها مثل قصاص و دیه نوعی برابری میان جنسیت زن و مرد ایجاد کرده است. وقتی به ظواهر احکام نگاه می‌کنیم کاملاً این نابرابری‌ها به چشم می‌خورد اما مبانی و فلسفه تقریر احکام وقتی مطالبه

شود و مورد بررسی قرار گیرد این دیدگاه هم منتفی می‌شود. وضع احکام مجازات‌ها هم وابسته به تفاوت‌هایی است که در ساختار خلقت زن و مرد وجود دارد، و همین تفاوت‌های جسمی و روحی و روانی به ضرورت موجب متفاوت بودن وظایف، تکالیف و همچنین وضع احکام و مجازات‌ها و مزایای اجتماعی شده است. نباید انگاشت که تفاوت‌های مطروحه موجب تمایز و تفاوت ارزشی زن و مرد است؛ بلکه آنچه که مرد و زن را در پیشگاه خداوند متمایز می‌سازد میزان داشتن تقوای الهی است. (طباطبایی، بی‌تا) در مورد قصاص و دیات و حدود این دیدگاه عادلانه وجود دارد. مثلاً در قصاص مرد و زن، اگر زنی مردی را کشته باشد، اولیای مقتول می‌توانند قاتل را قصاص کنند بدون آنکه افزون بر قصاص پولی را طلبکار باشند و یا می‌توانند دیه کامل بگیرند و قصاص نکنند. تنها روایتی که به اولیاء مقتول اجازه داده علاوه بر قصاص نصف دیه کامل را نیز دریافت کنند در «ذُرُّ الْمُنْثُورِ» اثر جلال الدین طوسی آمده و فقیهان گذشته این حدیث را متروک و غیرقابل عمل دانسته‌اند و هیچ یک چنین فتوایی نداده‌اند. و فتاوایی که فقط قصاص را لازم می‌دانند. بر اساس روایتی از امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الْمَرْأَةِ يُقْتَلُ الرَّجُلُ مَا عَلَيْهَا قَالَ (ع) لَا يَجْنِي الْجَانِي عَلَى أَكْثَرِ مِنْ نَفْسِهِ». (حر عاملی، ۱۳۴۷)

چهار حدیث دیگر در همین موضوع نقل شده و فقها بر اساس آنها فتوا داده‌اند. (ابن بابویه، ۱۳۶۲) اما در صورت دوم که مردی، زنی را کشته باشد دو فرض وجود دارد:

الف: اگر اولیاء مقتول دیه بگیرند و باید نصف دیه کامل را بگیرند.

ب: اگر بخواهند قصاص کنند باید نصف دیه کامل را به ورثه قاتل بدهند.

از فقهای معاصر که برخی هم از دنیا رفته‌اند اکثراً بر همین مبنا فتوا داده‌اند. امام خمینی، تبریزی، اراکی، گلپایگانی، صافی (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۹۸) این فتوا موجب شده که بعضی پنداشته‌اند ارزش زن در نظام حقوقی اسلام نصف مرد است.

در پاسخ باید گفت اصل تشریح و چگونگی اجرا و تبدیل آن را به دیه می‌توان از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد.

الف: از نظر ارزش انسانی در اصل تشریح و چگونگی قصاص میان مردان و زنان تفاوتی وجود ندارد. (بقره/۱۷۹)

ب: در هر قتلی اعم از عدوانی و غیر عدوانی حقوقی پدید می‌آید، در قتل عدوانی حقوق ذیل پدید می‌آید:

۱- حق شخص مقتول: قاتل چه اعدام شود یا نشود در پیشگاه خداوند در روز قیامت در مقابل جان کشته شده مسئول است و باید پاسخ بدهد و مجازات اخروی با قصاص و دیه از بین نمی‌رود. اولیای مقتول هم حق اخروی را نمی‌توانند ببخشند یا بگیرند.

۲- حق جامعه: روشن است که اگر قاتل مجازات نشود و ترسی وجود نداشته باشد هرکسی با اندک بهانه‌ای دست به قتل دیگری می‌زند و جامعه دچار هرج و مرج می‌شود.

۳- خاستگاه و حق عاطفی، در پی کشته شدن یک فرد، کینه و دشمنی در دل وابستگان او نسبت به قاتل به وجود می‌آید و چه بسا همین موضوع موجب قتل‌های پی در پی بشود. اما نباید فراموش کرد که مقتول هیچ‌گونه تصرف و اختیاری در دنیا نسبت به قاتل خود ندارد، اولیای مقتول، شخصیت و ارزش او را با قاتل و جان او مورد معامله قرار نمی‌دهند، پس تسلط بر جان قاتل از حقوق اولیای

مقتول است نه خود مقتول که بگوئیم این حق از مقتول به بازماندگانش به ارث رسیده لکن حقی است که از ناحیه کشته شدن او ایجاد شده و نمی‌تواند از حقوق او پس از کشته شدن باشد، زیرا که قبل از کشته شدن حقی در کار نبود و بعد از کشته شدن، حق و امکان تصرف در امور دنیوی برای مقتول وجود ندارد. بنابراین ارتباطی با «النفس با النفس» ندارد. حقوق اولیای مقتول است که به دو شکل ذیل است:

#### ۱- عفو قاتل

۲- تبدیل به دیه یا مبلغی که توافق کنند پس با توجه به جایگاه اقتصادی، تولیدی، نان آوری، سرپرست یک خانواده بودن برای قاتل و مقتول در نظر گرفته می‌شود و الا ارزش انسانی آنها به هیچ وجه مورد معامله قرار نگرفته و این از آثار پس از قتل هست و الا فرقی بین زن و مرد وجود ندارد. البته نباید فراموش کرد که احکام اسلامی کلی است و شامل موارد و مصادیق جزئی نمی‌شود. بر همین اساس بسیاری از فقها پرداخت نصف دیه را قبول ندارند مثل سیدمرتضی، شیخ مفید، سلاء، حلبی و دیگران. (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۹۸)

#### ۱-۹- قضاوت و مرجعیت

به دلیل شباهت احکام و ادله جواز و عدم جواز قضاوت و مرجعیت برای جنسیت زن هر دو عنوان را در این قسمت به صورت یکجا مورد مذاقه قرار می‌دهیم. این بحث از زبان مرحوم شیخ طوسی در فقه امامیه رایج بوده و همواره از پذیرش و یا رد آن سخن به میان آمده اما با ایراد و انتقاداتی که همچون موضوعات قبل به تفاوت‌های جنسیتی مطرح شده جای ارزیابی دارد. دقت و انصاف در مورد بحث ما را به این نتیجه می‌رساند که برداشتن تکلیف از دوش زنان برگرفته از همان تفاوت‌های جنسیتی است و اسلام تلاش کرده زنان در جایگاه شخصیتی خویش یعنی نقش مادری و همسری و تربیت فرزندان و قوام خانواده، فارغ از هرگونه مسئله فکری و ذهنی بتوانند ایفای نقش نمایند. قضاوت و مرجعیت ولایت شرعی بر حکم و مصالح عمومی است از جانب امام (حرّ عاملی، ۱۴۱۷ق). ذات، قضاوت عمل است و نه وصف لذا مرجعیت و قضاوت از مناصب و مراتبی که از ناحیه ریاست عمومی از جانب پیامبر و خلفای معصوم بعد از پیامبر که دارای مسئولیت بسیار سنگین است که با اوصاف جنسیت زن در تضاد است و موجبات شکنندگی او را ایجاد می‌کند؛ هر چند رسیدن به چنین مراتبی برای زن هم ممکن است و یک زن می‌تواند در همه ابواب مجتهد باشد. البته کسب چنین منصبی در میان فقها مورد اختلاف است. عده‌ای از قضاوت زنان سخنی به میان نیاورده اند مانند مرحوم صدوق، شیخ مفید و... گروه دوم مرد بودن را در ردیف شرایط قاضی بر شمرده اند مانند شیخ طوسی. گروه سوم عده‌ای به دیده تردید نگریسته اند و قائل به تفصیل شده اند مثل مرحوم شیخ انصاری، محقق اردبیلی، میرزای قمی و گروه چهارمی به طور مطلق قضاوت و حاکمیت را برای زنان جایز شمرده اند مثل مرحوم صانعی. ادله هر یک که در این مقاله نمی‌گنجد، هر انسان منصفی را به این نتیجه می‌رساند که مناصبی مثل امامت، مرجعیت و قضاوت از امور بسیار سخت و طاقت فرساست و در جهت ملاحظه و غبطه شرایط جسمی، روحی و عواطف و احساسات شدیدتر زنان سعی شده از این گونه تکالیف معاف باشند و هیچ ارتباطی با تزییع حقوق زنان ندارد بلکه رعایت حقوق و تکالیف آنان به وضوح در ادله تشریح گردیده و اگر امروزه جای حق و تکلیف از دیدگاه عده‌ای عرض شده ارتباطی با رعایت عدالت و برابری زنان و مردان ندارد. (گرچی، ۱۳۹۷)



## ۱-۱- شهادت دادن زنان و مردان

در مورد اینکه چرا در بعضی از جرائم شهادت دو زن به جای یک مرد پذیرفته می‌شود و آیا این از سر تفاوت گذاشتن بین زن و مرد نیست باید گفت در اصل حجیت شهادت زنان هیچ اختلافی نیست علاوه بر این در خیلی از جاها حتی شهادت مردان پذیرفته شده نیست مثل شهادت بر باکره بودن دختری که چهار مرد بر زناى او شهادت داده اند در اینجا شهادت یک زن مسموع است نه چهار مرد. باید گفت ریشه این تفاوت‌ها در انتظاراتی است که خالق هستی از زن و مرد دارد و این تفاوت‌ها در آنجایی که شهادت یک زن در مقابل چهار مرد پذیرفته می‌شود نه نشانه برتری زن بر مرد هست و در آنجایی هم که یک مرد شهادتش برابر با دو زن هست نشانه برتری مرد بر زن و در هر مورد هم برای هیچکدام نشانه نقص و عیب نیست. بنابراین به اقتضای شرایط و موضوعات گاهی شهادت مرد پذیرفته شده و گاهی شهادت زن و در مواقعی هم اصلاً شهادت مرد پذیرفته نشده و شهادت زنان پذیرفته شده. همه این موارد مبتنی بر تنظیم مناسبات اجتماعی و تقسیم مسئولیت‌های بین زن و مرد هست که به ظاهر تفاوت تلقی شده در حالی که عین برابری و عدالت است. در مسائلی همچون شرکت زنان در جنگ، بحث بهداشت و درمان، امامت نماز جماعت و ده‌ها مسئله دیگر از این قاعده مستثنی نیست و بنابر ظرفیتهای زنانه و مردانه تکالیف یا برداشته شده یا مقرر گردیده و ارتباطی با جنسیت زن و مرد و ارزش معنوی آنان ندارد (علی محمدی و سادات حسینی، ۱۳۹۲).

## ۲- تفاوت‌های زن و مرد و نقش آن در استحکام خانواده از منظر حقوقی

### ۱-۲- ابتدای حقوقی بر تفاوت‌های طبیعی

از آنجایی که عدم رعایت تمایزات و تناسب‌های طبیعی و جعل تکالیف و حقوق مخالف فطرت و طبیعت، زمینه ساز تحمل فشارهای جسمی، روحی، روانی و اجتماعی خواهد شد و بر خلاف عدالت و حکمت حقوقی است. در نظام حقوقی اسلام، آن دسته از تفاوت‌هایی مورد توجه قرار گرفته است که در کارکرد هر جنس و نقش‌های خانوادگی و اجتماعی او مؤثر بوده و بی‌توجهی به آن آثاری منفی برای فرد و خانواده و جامعه به دنبال دارد (گرچی، ۱۳۹۷).

تفاوت‌های افراد بشر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

الف: اموری که موجب تمایز افراد بشر و شناسایی بهتر آنان می‌شود مثل تفاوت‌ها در رنگ پوست، نژاد، زبان، چهره و مانند آن این امور در هیچ نوع از رفتارها و کارکردها تأثیری ندارد.

ب: مواردی که موجب بروز علایق، گرایشها، رفتارها و فعالیت‌های خاص می‌شود مثل گرایش یک فرد به هنر و دیگری به صنعت... در این قسم، خصوصیت جنسیت نقشی ندارد و این تفاوت شخصی است و هر فردی از دیگری قابل تشخیص است بدون آنکه نقش خاصی را متوجه ما کند.

ج: مواردی که بر شخصیت، ذهن، روان، توان جسمی و ظرفیت بخش عظیمی از جامعه بشری مانند جنس زن یا مرد تأثیر می‌گذارد و علاقه‌ها و تمایلات و کارکرد و نقش خاصی در آنان به وجود می‌آورد. در قسم اول شکی نیست که نمی‌تواند منشأ تفاوت حقوقی باشد و اختلافی هم در این قسم نشده هر چند تبعیض و ظلم مانند تبعیض نژادی، اختلافات طبقاتی امروزه وجود دارد.

در قسم دوم و سوم باید دقت کرد چرا که عادلانه یا ظالمانه شمردن تمایز حقوق از خلط میان این دو قسم ناشی می‌شود. به همین دلیل می‌گوییم تفاوت‌های طبیعی هنگامی در روابط انسانی و اجتماعی اثر خواهد گذاشت که ویژگیهای زیر را داشته باشد:

۱- دائمی باشد

۲- غالبی و عمومی باشد

۳- در امور اجتماعی مؤثر باشد. (گرچی، ۱۳۹۷)

بنابراین اگر این سه مؤلفه را نداشته باشد نمی‌تواند منشأ وضع قانونی قرار گیرد. هر سه این مؤلفه در جنسیت وجود دارد چرا که ویژگیهای زنانه و مردانه و تفاوت‌های تکوینی و طبیعی آنان دائمی است غالبی و عمومی و همچنین در امور اجتماعی تأثیرگذار است.

با این نگاه به تفاوت‌هایی که بر مبنای طبیعت زن و مرد در قوانین مدنظر قرار گرفته و تعداد آنها به جهت ظاهر برابر نیست ذیلاً اشاره و یکی دو مورد از آنها مورد بررسی قرار گیرد: ۱- مهریه ۲- نخله ۳- اجرت المثل ۴- ارث ۵- اشتغال زنان ۶- خروج از منزل زن با اجازه شوهر ۷- فرزند آوری در قانون ۸- بلوغ شرعی و بلوغ قانونی ۹- اشتغال زنان (گرچی، ۱۳۹۷)

بند اول: با نگاهی به قرآن کریم و منابع روایی در می‌یابیم که اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا به خودی خود هیچ ممنوعیتی ندارد بلکه به عنوان یک واقعیت مفروض گرفته شده، هرچند اشتغال مرد یک امر تثبیت شده است و اساساً او را نان آور خانه می‌دانند، قانون هم به تبعیت از احکام دینی قائل به همین نظر است. به عنوان مثال به استثنای مشاغل فساد انگیز مانند روسپی گری، آوازه خوانی در مجالس گناه هیچ مخالفتی با اشتغال زنان صورت نگرفته (حر عاملی، ۱۳۴۷) در قانون هم در ماده (۱۱۱۷) قانون مدنی مقرر می‌دارد شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع نماید پس از مفهوم ماده همان چیزی استنباط می‌شود که از روح احکام اسلامی نسبت به اصل اشتغال پذیرفته شده. بنابراین اشتغال زنان حقی است پذیرفته شده البته با محدودیت‌هایی که در نهایت از حیث ارز، آبرو، حیثیت و شأنیت زنان به نفع خود آنان و شخصیت فردی و اجتماعی آنان در نظر گرفته شده و همه اینها نشانه برابری و عدالت در امور زندگی زنان در کنار مردان هست.

## ۲-۲- لزوم اجازه شوهر برای خروج از منزل

لازمه اشتغال زنان در بسیاری از مشاغل ملتزم یا خروج آنها از منزل است که البته نیاز به اجازه شوهر دارد. اگر چه در نگاه اول شاید نماد سلطه مردان و اسارت زنان قلمداد شود همچنانکه نویسندگان نو اندیش آنرا مخالف با وجدان و عقل قلمداد می‌کنند. اما با نگاه عمیق به مسئله در می‌یابیم که اجازه شوهر تضمین هرچه بیشتر صیانت جنسی زنان بوده است چرا که افزایش روابط اجتماعی مردان و زنان و کاهش محدودیت‌های ارتباطی آنان تأثیر مستقیم بر میزان افزایش انحرافات جنسی و در نهایت از هم پاشیدگی خانواده‌هایی است که تا قبل از این ارتباطات دارای حیثیت و آبرو بوده اند لذا بر همین ملاحظات است که در ماده (۱۱۱۴) قانون مدنی حق تعیین مسکن با مرد است مگر این حق به صورت شرط ضمن عقد به زن داده شده باشد و یا قانون گاهی ادامه اشتغال زن را منوط به رضایت مرد می‌داند. در نهایت با مرور احکام و مبانی اسلام و حقوق مدون برگرفته از همین احکام می‌توان نتایج ذیل را بدست آورد. (گرچی، ۱۳۹۷)

## بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که چگونگی نگرش به ماهیت انسانی زن و مرد، حقوق و آرزوهای آنان تأثیر مستقیمی بر نهاد قانون دارد، انتخاب جهان بینی صحیح و همچنین وضع دقیق‌ترین قوانین برای تنظیم روابط افراد در خانواده و جامعه از اهمیت بالایی برخوردار است. برداشت غلط از حقوق طبیعی و مفهوم آزادی و عوض کردن جای حقوق و تکالیف، منشأ تزییع حقوق و شخصیت زنان و نابودی نهاد خانواده می‌شود. امروزه صدای فروپاشی خانواده‌ها و تباهی حقوق و کرامت زنان و فرزندان در جوامع سکولار به گوش می‌رسد؛ لذا نظر اسلام بر این پایه استوار هست که زوجین مکمل یکدیگر هستند و نقش‌های متفاوت آنها تکمیل کننده نقاشی خلاقانه خداوند متعال می‌باشد که عادلانه بر اساس ظرفیت‌ها و کارکردها و انتظارات به آنها واگذار گردیده است.

با مراجعه‌ای به دادگاه‌های خانواده خواهیم یافت که، افزایش آمار طلاق در سال‌های اخیر نشان از گسست برخی روابط خانوادگی می‌باشد. پدیده‌ای که در دهه‌های گذشته به عنوان مبعوض‌ترین حلال تلقی می‌شد، امروزه تحت تأثیر برخی هجده‌های فرهنگی به نوعی رهایی از بردگی معرفی می‌شود. البته بجهت اینکه امر طلاق پدیده‌ای تک سببی نیست، بدو باید با کار فرهنگی عمیق‌تر القاء برخی از هم زاد پنداری‌ها با شخصیت‌های سریال‌های مذکور، به چالش کشیده شود. صرف نظر از آن‌ها قبل از تصمیم به طلاق به مشاوره با کارشناسان خانواده و نیز قربانیان آن پرداخته شود تا با آشنایی به شرایط دوران پس از آن، از جمله بروز افسردگی‌های حاصل از شکست در زندگی و نیز سرزنش دیگران، به ویژه در فرض وجود فرزندان مشترک، اندیشیده شود. بدون تردید مواد خشک قانونی ضامن بقاء خوشبختی و حسن سلوک بین همسران نمی‌باشد و اخلاق است که به عنوان حرف اول در تعمیق چنین رابطه‌ای، نقش آفرینی می‌کند. اما چنان چه به نام مقابله با سنت، منشأ اخلاق به مصادر فرهنگ بیگانه باز گردد، تجربه نشان داده که نتایج مطلوبی را در پی ندارد. به طور نمونه تلاش‌هایی که بر اساس معاهدات بین‌المللی در جهت برجسته کردن مسائلی هم‌چون بزرگ‌نمایی آمار و ارقام خشونت علیه زنان صورت می‌پذیرد و نیز زدودن تفاوت‌های جنسیتی در متون و محیط‌های آموزشی و حمایت از وضع قوانین برابری طلبانه میان زن و مرد به خصوص در نهاد خانواده، محکوم به شکست است. زیرا پژوهش‌های علمی حاکی از وجود تفاوت ذاتی میان دو جنس از نظر تمایلات و رفتارهاست و از آنجاییکه هورمون‌های جنسی در تعیین رفتارهای متفاوت زنان و مردان نقشی تعیین کننده دارند، تأکید بر برابری یا نفی نقش‌های سنتی متناسب با این طبیعت بیهوده است. در واقع در شرایطی که "طبیعت" موجد "نابرابری" بوده، اهتمام برخی گروه‌ها برای برابری با مردانی که طبیعتاً از زن‌ها قوی‌ترند، و نتیجتاً خالی کردن جای مستحکم خانواده در جامعه با زیر سؤال بردن "سرپرستی مرد"، راه به جایی نخواهد برد. بنابراین توصیه به این است که با تکیه بر باورهای دینی، در کنار مسائل حقوقی و خانوادگی به گونه‌ای چاره‌اندیشی کنیم که به کمک برخی از تدابیر قانونی گامی‌هایی در جهت تحکیم نهاد خانواده برداشته شود.

## تعارض منافع

لازم به ذکر است نویسندگان هیچگونه تعارض منافی ندارند.

## منابع

- اسماعیل بیگی، محمد. (۱۳۹۴). روابط غیر مالی زن و شوهر، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.  
بنی هاشمی خمینی، محمدحسن. (۱۳۹۸). توضیح المسائل مراجع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
پناهی، علی، و پناهی، احمد. (۱۳۹۰). نقش‌های جنسیتی زن و مرد در نظام خانواده، معرفت، ۲۰ (۱۶۰).  
جوادی عاملی، عبدالله. (۱۴۰۰). زن در آینه جلال و جمال، تهران: اسراء.  
خمینی، روح الله. (۱۳۹۰). تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).  
شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۸۸). شرح لمعه دمشقیه، ترجمه عباس زراعت، نشر مؤسسه فرهنگی هنری.  
صفایی، حسین، و امامی، اسداله. (۱۳۷۶). مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر دادگستر.  
طباطبائی، محمد حسین. (بی تا). تفسیر المیزان، قم، موسسه مطبوعاتی دارالعلم.  
گرچی، ابوالقاسم. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.  
علی محمدی، طاهر، و سادات حسینی، زهرا. (۱۳۹۲). تفاوت شهادت زن و مرد در فقه و حقوق، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده، (۶)، ۱۴۳-۱۱۲.  
یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۴). بررسی کیفی تأثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)، مجله جامعه شناسی کاربردی، (۲)، ۱۲۵-۱۴۰.  
ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۳ق). عوالی اللئالی، شارح: شهاب الدین مرعشی، قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع).  
ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال، قم: جامعه مدرسین.  
حر عاملی. (۱۳۴۷). وسایل الشیعه، قم، آل البيت الاحیا التراث.  
طباطبایی یزدی، محمد کاظم. (۱۳۷۰). العروه الوثقی، قم، موسسه النشر الاسلامی.  
طوسی، محمدابن الحسن. (۱۳۸۸). المبوسط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه مرتضویه.  
عاملی، محمد بن مکی. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه نشر اسلامی.  
مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.  
نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۶ ش). جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ج ۱ و ۱۷.

## References

- Ameli, M. B. (1986). Al-Durus al-Shari'ah fi Fiqh al-Imamiyah. Qom: Islamic Publications Office.  
Bani Hashemi Khomeini, MH. (2019). Commentary on the issues of references. Qom: Islamic Publications Office.  
Beygi, I., & Mohammad, M. (2015). Non-financial relations between husband and wife. Tehran: Majd Publishers.  
Gerji, A. (2018). Comparative study of family law. Tehran: Tehran University Press.  
Horr Ameli, M. (1968). Wasa'il al-Shi'a. Qom: Al al-Bayt Li Ihya' al-Turath.  
Ibn Abi Jumhur, M. Z., & Mar'ashi, S. (1983). Awali al-la'ali. Qom: Mu'assasah al-Sayyid al-Shuhada.

- Ibn Babawayh, M. A. (1983). *Al-Khisal*. Qom: Jame'eh Modarresin.
- Javadi Amoli, A. (2022). *Women in the mirror of glory and beauty*. Tehran: Esra.
- Khomeini, R. (2011). *Tahrir al-wasilah*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Mohammadi, T. & Hosseini, Z. (2013). Differences in the testimony of women and men in jurisprudence and law. *Journal of Women and Family Cultural and Social Council*, 6, 112-143.
- Najafi, M. H. (1987). *Jawahir al-Kalam* (2nd ed., Vol. 1 & 17). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- Panahi, AA. (2011). Gender roles of men and women in the family system. *Ma'rifat*, 20 (160).
- Safaei, H. & Emami, A. (1997). *Family law in brief*. Tehran: Dadgostar Publications.
- Sani, ZA. (2009). *Explanation of the Lumah Damascus*. Translated by A. Zarrat. Tehran: Cultural and Artistic Foundation.
- Tabatabai Yazdi, M. K. (1991). *Al-'urwa al-Wuthqa*. Qom: Islamic Publications Office.
- Tabatabai, MH. (n.d.). *Interpretation of Al-Mizan*. Qom: Dar al-Islamiyah Press.
- Tusi, M. A. (2009). *Al-mabsut fi fiqh al-Imamiyah*. Tehran: Maktabat Murtadawiyah.
- Yazd-Khasti, B. (2016). A qualitative study of the effect of radical feminism on the role of women in the family institution and its comparison with Islamic provisions: A case study of women in Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 2, 125-140.
- Zabidi, M. M. (1994). *Taj al-'arus min jawahir al-qamus*. Beirut: Dar al-Fikr.

## Examining the relationship between spouses in Iranian law and its role in strengthening the family institution

Haidar. Rafati<sup>1</sup>, Amir. Mulla Mohammad Ali<sup>2\*</sup>, Mahmoud. Qayyumzadeh<sup>3</sup>

### Abstract

**Aim:** As members of the society, couples have rights and obligations that guarantee the health of the society and their relationships. The family is the most important social institution that is based on the relationship between spouses, and the regulation of these relationships and the explanation of how it is from a jurisprudential and legal point of view are important in some ways. **Method:** The research method was descriptive-analytical using library sources. **Results:** In the combination of the rights and duties of couples, we come across differences that at first glance are indicative of the differences that some have thought indicate the inequality between men and women. While the creation of men and women is so wise that the assignment of rights and duties has been established according to the capacities and according to his expectations of man and human abilities. The system of existence, creation and creation is based on a previous and purposeful plan, and the objective of creation is the mystic worship of man before God. Homogeneity and heterogeneity of beings and differences in capacities and possibilities have all found their own place in this wise map; Therefore, the differences between couples and in general between men and women are completely natural, purposeful and creative, and the criteria for valuing people should be sought in obedience and acceptance of divine guidance and guidance. **Conclusion:** having unique privileges in men and women is not a sign of superiority over each other, nor is it a sign of flaws and defects in relation to each other. These differences have been stated in the sources of Shia jurisprudence and the legal system of Islam, on the same basis that knowing them can be effective in strengthening the family, its dynamics and vitality.

**Keywords:** *relationships, couples, rights, justice, equality.*

---

1. Ph.D. student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

2. **\*Corresponding author:** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran  
*Email:* amirmolamohammadali@yahoo.com

3. Professor, Department of Law and Knowledge, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran